

## برخی تغییرات در سیاست کشورهای غربی و نگرانی‌های رژیم

محکومیت جمهوری اسلامی ایراد گردیده است، نگرانی‌های زیادی را میان سران جمهوری اسلامی، خصوصاً جناب رئیس جمهور که آینده خود را در عادی سازی روابط با کشورهای منطقه، و خصوصاً آمریکا و انگلیس می‌دانست، ایجاد کرده است.

رفستگانی در نامه محترمانه و بلند بالائی که برای مقامات انگلیسی ارسال کرد، ضمن دفاع از مواضع جمهوری اسلامی، تلاش کرد تا دولت انگلستان را از تیرگی روابط با ایران برهنگار دارد. این نامه که تکرار برخی گفته‌های گذشته رفتگانی هایی که در مقته‌های آلمان از سوی دیگر و سخنرانی هایی که در اینجا از سوی دیگر مقامات مهم دولتی انگلیس و آمریکا مسلسله قتوای قتل سلمان رشدی ارتباطی با اقدامات و ادامه در ص ۲

روابط جمهوری اسلامی با اکثر کشورهای غربی، برخی کشورهای عربی منطقه و آمریکا در هفتاه گذشته دچار تحولات مهمی شده است که بررسی آنها از اهمیت و پیوی ای برخوردار است.

اقدام دولت الجزایر و قطع رابطه آن با ایران، به دنبال اعتراض‌های مکرر این کشور به حمایت ایران از اقدامات توریستی گروههای "اسلامی تندرو" و دخالت در امور داخلی آن کشور از یک سو و تشدید برخورداری دیلماتیک این دولت جمهوری اسلامی و آمریکا، بریتانیا و آلمان از سوی دیگر و سخنرانی هایی که در مقته‌های اخیر از سوی دیگر مقامات مهم دولتی انگلیس و آمریکا از جمله، وارنر کریستوفر، وزیر امورخارجه آمریکا در



آرکان مرکزی مردمی ایران

شماره ۳۹۹، دوره هشتم  
سال هشتم، ۲۴ فروردین ۱۳۷۲

## تزویریسم پی نقاب

تزویریسم خونین هرچه عربان تر و بی پرواتر به سلاح مبارزه رژیم جمهوری اسلامی علیه دگراندیشان و مخالفان آن تبدیل شده است. این بار محمد حسین نقدی، نماینده "شورای ملی مقاومت" در رم قربانی این سیاست ورشکته و سی فرجم گردید.

نقدی از دانشجویان سابق پیرو خط اصم و سپس کاردار سفارت جمهوری اسلامی در ایتالیا بود که در سال ۱۳۶۰ با "شورای ملی مقاومت" به همکاری پرداخت.

تبیلقات رسمی رژیم و مراجع ذیصلاح آن، این ترور را مانتند ترورهای تبلیغ محسوب اختلافات درون گروهی معرفی کردند. آری، دیوار حاشا بلند است ولی دلالت و شواهد اثصر گویا و بدیهی است که جانی برای حاشا باقی نمی‌گذارد.

تا کنون ترورهای مخالفان رژیم در کشورهای مختلف جهان اساساً بخاطر حفظ مناطق اقتصادی این کشورها با سیاست مماثلات دولتها رویرو بوده است. بسیج و همکاری جدی نیروهای اپوزیسیون رژیم در خارج از کشور می‌تواند و باید انکار عمومی را به ابعاد این بازی ناپاک آفتاب سازد و سدی نیرومند در برابر آن ایجاد کند.

## عدالت اجتماعی از شعار تا واقعیت

برنامه ریزی اجتماعی - اقتصادی رژیم به سمت عدالت و رفع فقر و محرومیت است. ولی آنچه که در عمل اجاتم گرفته، تشدید فقر و محرومیت و بی‌عدالتی در جامعه دوم

جمهوری اسلامی بر اساس ماهیت ارتجاعی و عقب مانده ای که دارد اصولاً چنین توانی را ندارد که کوچکترین گامی در جهت رفع محرومیت بردارد، و از این رو برنامه هنجاسله دوم دولت نیز تیجه ای بهتر از برنامه هنجاسله اول نمی‌تواند داشته باشد. این برنامه همانطوریکه حتی برخی از هادلانه تر شدن حرفکت می‌کند.

بی‌عدالتی، فقر و عقب ماندگی و مبارزه برای تحقق عدالت اجتماعی از جمله مهمترین موضوعاتی است که در سال‌های اخیر در کشور ما مطرح بوده است.

تمییق فاصله میان فقر و ثروت در جامعه ما در سال‌های اخیر شتاب بیشتری یافته و علی‌رغم قول های فراوانی که سران جمهوری اسلامی در هنگام به دست گرفتن قدرت، پیرامون ایجاد

"جامعه عدل اسلامی" دادند، واقعیات امروزی کشور ما گویای بی‌عدالتی عمیق و گسترده، ثروتمند شدن گروه بسیار اندکی از سرمایه داران، تجارت و روحانیون حاکم از یک سو و محرومیت و فقر میلیونها انسان، که در شرایط بسیار دشوار و غیر انسانی زیست می‌کنند، از سوی دیگر است.

زنگی آلونک نشینی که از این‌مانند رژیم گذشته بود، نه تنها نیست و ناید نکشند، بلکه با مهاجرت بخشندهای نسبتاً بزرگی از جامعه روسانی کشور به حاشیه شهرها، و سمت یافته و عوایق آن برای رشد و شکوفایی آینده کشور بسیار نگران کنندند است.

واقعیت این است که تحقق عدالت اجتماعی در یک جامعه نایابر آنهم استوار بر روابط عقب مانده سرمایه داری از طریق شعارهای توخالی و عوام فریبانه ممکن نیست. چهارده سال است که سران رژیم هرساله قول می‌دهند که جهت عدمه

کردند (تقدینگی بخش خصوصی در سال‌های پس از انقلاب چند صد برابر شده و اکنون از مزد سه هزار میلیارد تومان گذشته است) و از سوی دیگر بخش‌های وسیع تری از جامعه را به جمع محرومان داده در ص ۲

## در دیگر صفحات:

مقاله‌ای به قلم، "پوری ولاسف"، نویسنده روس ص ۴ و ۵

ریشه اصلی بحران مسکن در کشور؛ ص ۶  
همدستی دولت با سوداگران زمین

**زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"**

## واه تاریخ ندارد بروگشت

هدف آن است که بود.

راه اگر موج گشت،

پیچی ارگشت پس و پیچی

راه پیموده، به پس باز مپوی

راه تاریخ نبوده است هموار، همواره

خم و چم دارد او

گاهی انگار، گامی به عقب می زند او

لیک می داند نیک

آنکه آموخته از آنچه گذشت

راه تاریخ ندارد بروگشت.

میریار

گذشته بزرگترین سند در رد این ادعای خیانت بزرگ سران رئیم به کسانی است که آنها را روی کار آورده‌اند.

به گمان ما روند کنونی ببعدالتی و تشید قدر در جامعه‌ئی تواند برای مدت زیادی دوام بیاورد. توده‌های عظیم مردم محروم دیگر به این نتیجه رسیده‌اند که حق گرفتی است و تنها از طریق مبارزه پیگیری است که می‌توان رئیم را به عقب نشینی و تسلیم در برابر خواست توده‌ها وادار کرد.

مبارزه برای عدالت اجتماعی چهارده سال پس از انقلاب پهمن مهمنان به مشایه یکی از مهمترین محورهای مبارزه توده‌ها در طرد رئیم ولایت فقیه و استقرار آزادی، صلح و عدالت اجتماعی در جامعه‌ی ما پاکی است.

میلیارد تومان دارم ...".

نکات دیگری که در این بحث می‌باشد در نظر گرفته شود، نبود یک سیاست فراگیر تامین اجتماعی در کشور برای افشار کم درآمد، نبود بهداشت رایگان عمومی و روند تزايدی خصوصی شدن مدارس و مراکز آموزشی دولتی است. حتی براساس احتراف برقی از سران رئیم پخش مده‌ای از نقاط کشور خصوصاً مناطق روستایی، از بهداشت، آموزش، و در برخی مناطق حتی از آب آشامیدنی نیز محروم هستند.

این روند، یعنی روند گسترش قدر و ژرتوختن شدن عده بسیار محدود، علی رغم اعدام‌های عوام فربیانه با شتاب بیشتری در حال گسترش است. یکی از مخالفت‌های عده برقی از نایدگان مجلس با طرح بودجه سال ۱۳۷۲ نیز بر این اصل استوار بود، که با اتخاذ سیاست تک درخی کردن برابری ارز و حذف گام به کام سویسیدها، قدر و فشار اقتصادی بر میلیون‌ها انسان که هم اکنون نیز زیر قشار طاقت فرسای اقتصادی قرار دارند، افزایش خواهد یافت. بنابراین امید دادن به مردم که برنامه پنج ساله این دولت خواهد توانست در جهت رفع محرومیت و اجرای عدالت اجتماعی کوچکترین گامی بردارد، چیزی جز عوام فربیی و حقه بازی نیست. سخنان سران رئیم نشانه نگرانی شدید آنان از آن نوع انفجار اجتماعی است، که رئیم گذشته را در مدت کوتاهی از اوج یه زیر کشید و سرانجام به زبانه دان تاریخ افکند. سران رئیم می‌دانند که با تشديد فشارهای اقتصادی، بالا رفتن قیمت‌ها و رشد شدید تورم، جامعه بیش از پیش نازار و بعراحتی خواهد شد، و از این روند در تلاش هستند که با وعده‌های سرخرم مقدم را بفریبدند. قیام‌های وسیع مردم در آغاز سال گذشته که حدتاً به دلیل نارضایتی از رئیم و بی‌عدالتی در جامعه بود، نشان داد که کاسه صیر میلیون‌ها انسان که با آرزوهای فراوان چهارده سال پیش رئیم شاهنشاهی را به زیر کشیده و انقلاب بهمن را با شعار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به پیروزی رساندند، دیگر لبریز شده است. خمینی چهارده سال پیش در بهشت زهراء به مردم اعلام کرد رئیم او برخلاف رئیم شاه که قیرستان ها را آباد کرده است ایران را آباد خواهد کرد و مملکت را بدست صاحبان اصلی آن یعنی زحمتکشان کشور باز خواهد گرداند. کارنامه چهارده سال

## عدالت اجتماعی از ...

جامعه افزوده است. آمار رسمی جمهوری اسلامی از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۱ انتشار یافته به اندازه کافی کویا و افشاگرانه است. بر اساس این آمار در حالیکه ۲٪ خانوارهای کشور از درآمدی بالای ۲ میلیون و چهارصد هزار ریال در سال بهره متد هستند، بیش از ۶۰٪ خانوارهای کشور یعنی حدود ۲۶ میلیون نفر از شهرهای کشور در آمدی زیر حد نصاب برخوردارند. همین آمار نشان می‌دهد که نسبت درآمدین پایین ترین و بالاترین درآمد در بین خانوارهای یک به بیست است. بر این اساس روند تعیق و گسترش قدر در سالهای گذشته نه تنها متوقف نگردید، بلکه به تدریج شتاب بیشتری دید پیدا کرده است.

به عنوان نمونه، در حالیکه متوسط هزینه‌های یک خانوار شهری در سال ۱۳۶۵، مبلغ معادل ۱/۳ میلیون ریال در سال تخصیص زده می‌شد، معدل درآمدنا به ۱/۱ میلیون ریال در سال می‌رسید. این روند ناپایاب درآمد سرانه در مقایسه با هزینه‌ها در سال‌های بعد به شدت افزایش یافته است و براساس آمار سال ۱۳۷۲ در حالیکه معدل درآمد سرانه به سطح ۱/۳ میلیون ریال در سال تخصیص زده می‌شد، معدل هزینه‌ها به رقم ۱/۸ میلیون ریال در سال افزایش یافته است. بر اساس آمار نشریه "تازه‌های آمار"، شماره ۱۲ سال ۱۳۷۱، متوسط هزینه‌های خانوارهای شهری در سطح کل کشور در سال ۱۳۷۱ به بیش از ۲ میلیون ریال در سال افزایش پیدا کرده است و این در حالی است که بر اساس آمارهای همین نشریه تنها ۷.۵٪ از خانوارهای کشور از درآمدی معادل پا افزاوند بر این رقم هزینه‌ها برخوردارند. این در کنار این ارقام فاجعه‌ای انگیز که حق خیانت سران رئیم چهارده سال کشور ما را نشان می‌دهد، ما از سوی دیگر شاهد ثروت‌های افسانه‌ای تعداد بسیار محدودی سرمایه دار وابسته به رئیم هستیم. ابعاد این ثروت نیز در سالهای اخیر در کشور ما بی‌سابقه بوده است. دکتر توقیجان، معاون سابق وزارت اقتصاد و دارایی، در سخنرانی که اخیراً در دانشگاه تهران پیرامون "بازنگری سیاست های تمدیل" ایجاد کرد، از جمله گفت: "قدرت تولیدی ما چقدر است که اتومبیل‌های ۲۰ تا ۶۰ میلیونی سواری شوند و در همین تهران خانه‌هایی در حدود ۱

سر جزایر سه گانه و تشید تشنیج، به حق نگرانی‌های زیادی را برای مردم منطقه و خصوصاً مردم کشور ما، که هنوز خاطره وحشتناک ۸ سال جنگ خانمانسوز ایران و عراق رنج شان می‌دهد، ایجاد کرده است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته همواره مبتنی بر ماجراجویی و تشنیج آفرینی در منطقه بوده است و این سیاست در مجموع بهانه کافی برای دخالت و اجرای توطئه‌های چاوزگرانه هرچه بیشتر قدرت‌های خارجی، خصوصاً آمریکا مهیا کرده است.حضور عظیم نظامی آمریکا و سایر کشورهای عضو ناتو در منطقه که در دوران جنگ ۸ ساله و سه ساله ماجراجوی چاوز عراق به کوتی وسعت یافت، پس از این کشور دامن این کشور را شد. سیاست ضد مردمی عاری از دورقای جمهوری اسلامی نه تنها کوچکترین گامی در مبارزه با سلطه جویی آمریکا و ایالات در عمل به سیاست مداخله جویانه امیریالیسم کمک‌های موثری کرده است.

نگرانی رئیم از این تغییرات، بهترین نشانه بی ثباتی جمهوری اسلامی و اهمیتی است که به حمایت فرب، برای ادامه حیات خود، می‌دهد.

## برخی تغییرات در ...

مواضع دولت ایران دارد، نشان دهنده تلاش جدی از سوی برخی از سردمداران رئیم برای جلوگیری از وحیم تر قدر این روند است. در این هرمه موضع گیری‌های دولت آمریکا در مورد جمهوری اسلامی خصوصاً برای سران رئیم بسیار نگران گشته است. به نظر مفسران سیاسی هرچه سیاست خارجی آمریکا در مورد منطقه خاورمیانه در حال تحول است. بر اساس این نظر نشان دلیل هری بروی رئیم صدام حسین کم خواهد شد و به سمت تقدیم فشار بر دولت جمهوری اسلامی تحریک پیدا خواهد کرد. به قده این ناظران چنین تغییر سیاستی ناشی از سیاست ادامه دخالت‌های رئیم در منطقه، ادامه سیاست "صدر اقبال" به سرتاسر جهان، دخالت‌های رئیم در روند مذاکرات صلح در خاورمیانه و اعمال و حمایت از سیاستهای تروریستی است.

برخوردهای اخیر دولت ایران و برخی فیض نشین‌های خلیج فارس بر

## کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد جمهوری اسلامی را برای چندین سال متواتی به شدت محکوم کرد

تایپیان سال ۱۹۹۲، ۳۰۱ مورد اعدام رسمی در ایران گزارش شده است که ۱۶۴ قتل از اعدام ها مربوط به مسائل سیاسی بوده است. در میان اعدام شدگان اعضای سازمان های، مجاهدین خلق ایران، کومله، قدائیان و حزب دمکرات کردستان ایران به چشم می خورد.

مشخص تحصیلات عالی، ۵۵ رشت تکنولوژیک، و ۷ رشت علم طبیعی معروم هستند و در عرصه هنر تنها به ۱۰ رشت از ۲۵ رشت هنری دسترسی دارند. زنان برای کار کردن و مسافرت به خارج به اجازه شوهران خود نیازمندند. ارثیه زنان پر ابر با نصف ارثیه مردان است، و در سال ۱۹۹۲ کارزاری برای رعایت دقیق حجاب اسلامی سازماندهی شده است. تمدادی از زنان به علت عدم رعایت این قوانین دستگیر شده اند ... تعداد زیادی از دستگیر شدگان به تنبیهات بسیار سختی از جمله شلاق محکوم شده اند ....

برخورد جمهوری اسلامی با تصویب این قطعنامه مانند سال های گذشته تها تکرار مسحک نظریه "توطه جهانی استکبار و ...، در نظری کامل انبوحی از اسناد، مدارک و حقایقی است که توسط سازمان ملل متعدد بررسی شده است.

مسئله ای که هم اکنون می تواند از سوی سازمان ها و احزاب مترقب کشور ما در سطح جهان به شکل گسترده طرح گردد، این موضوع است که عملکرد جمهوری اسلامی در چند سال گذشته نشان داده است، که این رژیم کوچکترین اهمیتی برای حقوق شهروندان کشورش قابل نیست. رهبران جمهوری اسلامی در ماههای گذشته بارها ملنا اعلام کرده اند که برای منشور جهانی حقوق پسر کوچکترین ارزش و اعتباری قابل نیستند. چنین برخوردی، ماهیتاً کوچکترین تفاوتی با برخورد رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی در سالهای قبل از روند کنونی در آن کشور، پرخورد قطبی دولت صهیونیستی اسرائیل ندارد. مجریه های جهانی پیرامون چنین رژیم هایی نشان داده است که تها با تشید فشار بین المللی و "با به افزوا کشیدن کامل سیاسی - اقتصادی چنین کشورهایی است که می توان آنها را به تغییر سیاست هایشان و ادار ساخت. به گمان ما هنگام آن فرا رسیده است که جامعه جهانی، خصوصاً سازمان ملل متحد، چگونگی برخورد جدی تر و راههای تشید فشار بر رژیم جمهوری اسلامی را از طبق فشار های سیاسی - اقتصادی کشورهایی که رژیم پرای اداءه هیات اقتصادی خود به آنها وابسته است، مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

علت چنین شکنجه هایی خودداری او از اضای اعتراض نامه ای است که زندانیان برای او آمده کرده اند.

اقزون بر این دادن اطلاعات پیرامون سرکوب حقوق بشر در ایران از سوی زندانیان جاسوسی محسوب می شود.

دادگاههای انقلاب - اسلامی، ماهیتاً دادگاههای صحرایی هستند که در پشت درهای بسته در درون زندان ها و بدون خسرو مردم و خانواده های زندانیان برگزار می شوند ... علی رغم بیانیه های مختلف (رهبران جمهوری اسلامی) و قول های متعددی که پیرامون تفسیر این اوضاع انتشار یافته است، روال کلی همچنان مانند گذشته است و زندانیان از هیچگونه حقوقی در زمینه پاسخ گویی به اتهامات و یا فرجم خواهی پنهان مانند نیستند ... نظرات گذشته و پر از این زمینه باعث سروصدای زیاد، بیانیه ها و تکذیب نامه ها (از سوی مقامات جمهوری اسلامی) شده است، معاذلک فرستاده و پر از تواند از بیان این واقعیت که تمامی این دادگاهها همچنان بدون حضور وکلای تعلیم دیده قضایی برگزار می شوند، بکریزد ...

گزارش پیرامون عدم وجود امنیت اجتماعی در ایران نیز به تابع تکان دهنده ای می رسد.

در گزارش می خوانیم :

"گونه اخیر تظاهرات در مشهد یک نمونه پسیار روش در این زمینه است. آنچه که به عنوان یک اعتراض مردمی علیه شهرداری شروع شد، به دلیل روش های سرکوبگرانه مقامات دولتی به یک انفجار واقعه بزرگ تبدیل شد. در نتیجه تعدادی جان خود را از دست دادند، گروهی زخمی و صدها نفر دستگیر، شکنجه و برخی نیز اعدام شدند. بر اساس گزارش رسمی خبرگزاری جمهوری اسلامی، دستورات مقامات عالیه جمهوری اسلامی در این زمینه کاملاً مشخص بود: "مسئولان و مشکل تراشان را پهدا کنید و آنها را مانند علف هرز نابود سازید."

گزارش پیرامون سرکوب حقوق زنان کشور ما نیز عرصه های مستنداوری را در بر می گیرد. بر اساس گزارش فرستاده و پر از

"زن از تحصیل در رشت های مهندسی، کشاورزی، معدن شناسی و متالورژی همچنان محروم هستند و در عین حال نیز می توانند به امر قضاوت مشغول شوند. زنان از انتخاب ۹۱ رشت

رژیم جمهوری اسلامی باردیگر، به دلیل سرکوب وحشیانه حقوق پسر در اجلال کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، محکوم گردید. در این اجلاس که روز دهم مارس در ژنو برگزار شد، قلمنامه محکومیت جمهوری اسلامی به تصویب رسید.

این قلمنامه بدل انتشار آخرین گزارش گذشته و پر از مسائل ملی، آقای گالایندویل، در تاریخ ۸ بهمن ماه، به تصویب کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل رسید. آخرین گزارش فرستاده و پر از، تصویر در دنکاکی از سرکوب وسیع آزادی ها، دستگیری ها، شکنجه ها، اعدام ها، زینها گذاردن حقوق اقلیت های مذهبی، زنان و سایر شهروندان کشور ما بدست می دهد. در گزارش از جمله می خوانیم :

تایپیان سال ۱۹۹۲، ۳۰۱ مورد اعدام رسمی در ایران گزارش شده است که ۱۶۴ قتل از اعدام ها مربوط به مسائل سیاسی بوده است. در میان اعدام شدگان اعضای سازمان های مجاهدین خلق ایران، کومله، قدائیان و حزب دمکرات کردستان ایران به چشم می خوردند.

پلاقالصه پس از تظاهرات ماه های آوریل و مه سال ۱۹۹۲ در مشهد، شیراز و شهرهای دیگر، حداقل ۸ نفر فرآ اعدام شدند و ۱۰ نفر دیگر به اعدام محکوم گردیده اند. در ۱۸ مارس ۱۹۹۲، آقای بهمن سمندری، یکی از اعضای پرستامیر نیز دونفر از کسانیکه (از مین فرقه) توسط گذشته و پر از آنها مصاحبه انجام گرفته بود، به اعدام محکوم شدند. به ما گزارش شده است که کسان دیگری نیز به اعدام محکوم شده اند ....

نشانه های زیادی پیرامون رقتار پیر حمانه زندانیان با زندانیانی که به خواست های آنان تسلیم می شوند و یا به آنچه که مقامات رسمی معتقدند جرم آنها است اعتراض می کنند، در دست می باشد.

فرستاده و پر از، اطلاعاتی پیرامون موارد اخیر چنین شکنجه هایی دریافت کرده است. زندانی مورد نظر به کوات شکنجه شده و شلاق زده شده بود. این زندانی در ماه سپتامبر به بیمارستان منتقل شده و سپس دوباره به زندان برد و مورد شکنجه و آزار قرار گرفته است.

نویسنده روس "یوری ولاسف" در مقاله‌ای تحت عنوان "روسیه از دردهای وحشتزا به خود می‌پیچد و ما دست کمک بسویش دراز نمی‌کنیم" تصویری گرچه گذرا ولی واقعی از آنچه در روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی می‌گذرد، به خواننده‌ها دهد.

ما در اینجا بخش‌هایی از فریاد رنج یکی از نماینده‌گان توده‌های وسیع زحمتکش روسیه را بنظر خوانندگان "نامه مردم" می‌رسانیم:

امر تولید، خرید و فروش، بازار معامله گار تکرانه جشن و سرور پریا کرده است... قیمت ها رشد سرسام آوری پیدا کرده است.

در چنین اوضاع و احوالی آقای "کسینجر" به روسیه قدم رانده فرمود که بداند آیا کشور دچار تشنجهات پیش از مرگ است، یا هنوز جان سختی نشان می‌دهد.

زهرب در کامش ریختند، استخوان هایش را شکستند، این، مگر  
کنجهکاوی و شادمانی آقایان، در قبال هنرشنان را، بر غم انگیزد؟...

اینک شما آقایان از ایالات متحده آمریکا صحبت از اشتباهات در اجرای رقوم مکنید. نه، اشتباهی نبوده است و شما هم نباید تعجب بکنید. در "کرملین" دستورات شما را و نه چیز دیگری را، موبایل مو، اجرا کرده اند... و دستور این بود که چگونه استخوان های روسیه باید شکسته شود. و شکستند. شاگردان مستعدی بودند... سخنان شما در پاره پسر دوستی و ارزش های عموم بشری آغشته به چرک و خون است، شما برقرار روسیه می چرخید... پرندگان سیاه گورستان!... نکنند که در زیانه های آتش واحدی با آن ها بسوزید.

به موجب آمار رسمی اقتصاد دانان خارجی سالیانه ۲۰ درصد نفت روسیه قاچاق می شود... این ۲۰ درصد نزدیک به ۶ میلیارد دلار در سال به جیب غارتکران سرازیر می کند. نموده جالی است. چپاول ملا، سنگ های قیمتی، چوب،فلزات کمیاب، و پوست های گرانبها نیز حداقل همان مبلغ را به جیب غارتکران سرازیر می کند.

این خطر رو به افزایش است که اقتصاد زیر نظارت سرمایه خارجی  
قرار بکیرد. این امر به هیچ وجه رئیس جمهور و دولت را نگران نمی کند،  
بر عکس، حکومت مداران آمادگی خود را برای واگذاری اقتصاد روسیه، یا  
شرایط ممتاز، به انصارات خارجی بیان کرده اند...

فرهنگ روسیه، از مهم سو، تخریب می شود، جا و مقام ان ناپیر کرفته می شود، خود خلق روس مورد اهانت و حملات قوار می گیرد ... اینک همه چیز بر تلاشی حاکمیت کشور گواهی می دهد ... قانون عمل غی کند. بول جای قانون را گرفته است زیرا همه کار از دستش بر می بید. با آن می توان همه چیز را خرید، حتی تمام روسیه را ... دولت، به جمعیت چاپلکران کشور، مسخ شده است. ولی نه در نتیجه رفوم های ظالم، نه خیر، این یک سیاست اکاهاهه است، سیاست و محاسبه ای برای ایجادی روسیه. تا این کشور ترقیت ناگهان و کاملاً از هم بپاشد، رای اینکه در کینه ورزی بین ملت ها، به خون کشیده شود و به محدوده ای ملی، تجزیه شود. برای اینکه قانون و حقوق و شرف فروپاشد ... اراضیاتی و خشم در تکه های کوچک بی شمار زمین که در آنها انسان ها با مین ور می رودند، با بدست آوردن چند کیسه سیب زمینی، خود و خانواده خود را از گرسنگی نجات می دهند موج می زند ... مهندسان، تکنسین ها، بازگران ماهر، تخصص خود را از دست می دهند، پالیزیان و صراف می سوندند، آن ها را می توان درک کرد، راه دیگری برای گذران زندگی وجود دارد. چه راهی؟ "بازار" برای آن ها چه خواهد اورد؟ ... چکونه پرشک، هندس، دارمند، کارگر و آموزگار می توانند برای خرد منازه و یا آجبو و هی ساده پادرده تا بیست میلیون روبل بدست آوردد؟ حال که چنین بولی نداردی (و همه مردم به استثناء ۰.۸ چنین بولی ندارند) بیل بدست بکر، تا مالی که توان کار بر روی زمین داری هضلات را به کار بینداز، این هم یهیاست است حساب شده. به این ترتیب خلق درهم می شکند، به اهالی و سمهعت هایی که فقط درگیر خورد و خوارک خویش اند، تبدیل می شود.

درست متن اینچه در مسمنترات اجرام می‌شد.  
جمیعت های نیرومند کارگری در کارخانه ها از هم می‌پاشد، صدها و  
صدها هزار دست و مفرز ماهر کارگری از کشور گرفته می‌شود، با چنین  
سیاستی چکووه می‌توان از فردای سعادتمدن سخن گفت؟...

... پس از پایان کار، از پشت ماشین تحریر به مقاذه می روم. به خواریار فروشی آشنایی که صدھا بار مراجعه کرده ام، داخل می شوم. خوب به چشم می خورد که ماههای اخیر دیگر از آن صفت های طویل نویت خبری نیست. قیمت ها صفت های نویت را کوتاه کرده اند، برچسب قیمت ها را بر روی کالاهایی که دو یا سه بار در هفته عرض می شوند، از نظر می گذرانم. کسی در کنار من، یا من مراجعه کرده و از من می پرسد: "ها، پدر! این غایشگاه پرای ماست؟"

- ها، پهرا! این مایشگاه برای ماست؟  
کنترل کریم کجاست؟

سخوت می کنم، پچ بحوم؛  
بعضی چیزها که از عهده آم بر می آید می خرم و سری به صفت نویت  
نژدیک تر می نم، در آنجا ماهی های کوچک شور می فروشنند.  
اینجا لباس های شیک نمی بینید، کسانی که در اتومبیل های مارک  
خارجی حرکت می کنند نیز به چشمان تنی خورند... صفت نویت خرید  
ماهی شور کوچک هر روز طولانی تر می شود. این درست مثل سال های  
جنگ داخلی، سال های قحطی و گرسنگی زمان جنگ و یا اردوگاههای اسیران  
و زندانیان است... اینک ماهی شور کوچک جای گوشت، تخم مرغ و میوه را  
برای مردم گرفته است. با آن بسر می برند... و پهشت سرهم در تلویزیون  
صحنه های زندگی ماوراء بخار را به رخ ما می کشند. یعنی صبر کنید شما هم  
چیز دار خواهید شد، راست است ۵ یا ۸ درصد مردم ثروتمند می شوند. آن  
د وعو و امکن خرید ویلا و آسمان خراش ها را از قبل ما به دست می  
برند. ابته ضیغی است که پوئ ها را فقط به حیب خودشان می ریزند و نه  
به حیب ص. هر چند سرمایه ان ها با غارت و چاپول سراسر اجتماع بدست  
می پید ...

همه، کار می کنند و پول خودشان را بخاطر آن ها از دست می دهند. در واقع مردم نیرو و دستمزد خود را در اختیار این تعداد کم شمار افراد قرار می دهند، تا این که این تعداد قلیل قد راست کنند سرمایه بیاندوزند و کار، اقتصاد و سهی ایدست گبند.

ولی فعلاً بقول "گورکی" هیاهو و رعشه های انتقباضی به چشم می خورد ولی ثمّری دیده غم شود... آقایان عزیز، سرمایه داری خودتان را یسازید، ولی مردم را غارت نکنید، بپرداز و ضعفنا را به گورستان نرازید... مردم را از ها نیاندزاید، همه چیز آن ها را نکیرید... یدون آن هم شما صاحب دلارها مستید میلیون ها و ده ها میلیون، در هر طرف، همه جا، تصاحب مالکیت خلقی و ثمّره زحمت خلق به چشم می خورد. آیا نعمت عده ای که "دمکراسی" از آن سخن می گوید همین است؟ دایما در صفحه تلویزیون صحته هایی از زندگی کلیسا به رخ ما می کشند، آخر خدا را به شما چه؟ شما همه چیز را از مردم گرفتید، آن ها را لکد مال می کنید. هم آن هایی را که شما را بر شاهه های خود می بردند، هم آن هایی که آخرین شاهی ها را از جیب هایشان ربوده اید، سخن از نداء هنگ داشته و می داشته و کنید؟

... دهشیب بر روی صفحه آگهی در مترو یا خطی دفع و مسحیه با مداد  
لوشت پودند؛ رئیس جمهوری انتخاب کردیم. جاسوس از دار درآمد... با  
خط دیگری، با خود دار نوشته است ده "دار و دسته تبهار چهار والکر، گور  
خودتاران از رویه کم نند؟" و هم آنچه با دست نمی‌کلم و نمی‌داد  
دافتنه است ولی روح قسطه وی دارد این کلمات حک شده بود: "پالکی ها  
رویه را افطال درده اند! مردم شما را چه می‌شود. خواهان بوده است؟!"  
خلاصه کلام از این نوشتے هادر مسلو و در تمام رویه به وفور به چشم می-  
خواهد.

... افت هیر قابل جلوگیری پرایمی ایزوف رویل به دلار، طبیعت رفرم را نشان می دهد. ما در آستانه آزمودهای جدیدی قرار گرفته ایم، رویل هم چنان محکوم به سقوط است... ما، همه که ارزشی خواهیم داشت، نه ما، همه بلهکه ... - ما... همه چیز به خارت می رود و پیران می فود از چمله

نقشه درهم شکستن روسیه مدت‌ها وجود داشته و وجود دارد، و این چیزی نیست که قابل انکار باشد، در دوران هیتلر چنین نقشه‌ای وجود داشت. تمام امید او به از هم پاشی کشور بر مبنای نشانه‌های ملی طرح ریزی شده بود. در زمان استالین حتی با وجود ضربات سنگین نظامی قدرتمند این نقشه عملی نشد. تمام اروپا زیر دست پیشوای قرار داشت، بعد از هیتلر تریلیون‌ها دلار از ماورای بخار برای اجرای این نقشه هزینه شد. چندی پیش بود که "بیکر" در این باره سخن گفت، نکه گرهی و بخش عده این نقشه تباه سازی وجود و شعور روسیه بود که می‌باشد، آهست و پیکر، بدنبال اثربازی مداوم تبلیغات انتوه و گسترده مجموعه رسانه‌های گروهی و غیره بdest می‌آمد... ابتدا دولت "کاریاچف" با دارو دسته خودش... ما را به دست غارت سپرد و سپس دولت دموکرات‌های دروغین... روسیه در رنج و عذاب دهشتناک به خود می‌بیند و ما دست کمک به آن فی دهیم.

ما تجارت می‌کنیم، جاییز را شخم می‌زنیم، کلمات کفرآمیز بر زبان می‌رانیم و نابودی مادر خود را نظاره می‌کنیم.

ده ماه رفم امکان می‌دهد که با دیدی دیگر به آن بینکرم، ما اینکه این آزمون را پشت سر داریم، چرا با سرعت سراسام آور به سوی قیمت‌های جهانی روان شدم؟ البته این امر توانید سودهای سرشار را بدنبال غارت کشور با خود داشت، سازمان دهنگان رفم از این امر به خوبی آگاه بودند... ما را، ناگهان و به سرعت، و بدون هیچگونه "توطنه"، بدون پشت سرگذاشت سال‌ها و ده‌ها سال، به ژرفای نیازمندی قرق بردند... قریب یکسال از این ضربیات بر خلق می‌گذرد، مردم دیگر به کسی باور ندارند و این یک واقعیت است... آن‌ها در درون حلقه آتشینی قرار گرفته‌اند و نومیدانه به هر طرف نظاره می‌کنند. همه چیز آن‌ها را می‌دزدند، غارت می‌کنند، استهزا می‌کنند... مهه چیز در پوششی از فرب و تردستی عرضه می‌شود، همه چیزها حتی یک رفتار شراثق‌مندانه نمی‌بینی! یند گام بسود خلق برداشته نمی‌شود!

... و اما درباره توده مردم باید گفت که این رفم همه آن‌ها رورشکست کرده است... رفم ها زندگی را به قضایت متمدد شکته است قلعه‌ای که قابل پیوند نیستند، ولی هم گذون روشن است که مردم از نظام جدید چشم انتظاری ندارند، زیرا در نخستین مرحله پیدایش با شدیدترین برخورد آن روبرو شده‌اند، آن‌ها را بدست غارت و هوا و هوس سرنوشت سپرده است... در هیچ‌جا، هیچ نوع لورتی ابیاشته نشیدون آن که محرومانی پیدا نشوند، یا دست به گریبان نیاز و احتیاج بخاک نیافتد... چرا حکام روسیه اجازه می‌دهند روسیه تغییر شود؟

بنا بر علل و دلایل فراوان نسبت به دولت و رئیس جمهور بی‌اعتمادی بیکران هم چنان یکر، متابع معدنی سرشار و مردمی آمده برای کار. کردن اشکال شایسته تر آن است. آن اقتصادی که جایگزین اقتصاد سویلایستی می‌شود غنی تواند روسیه را، ته به لحاظ اقتصادی و نه به لحاظ سیاسی، مستقل سازد. آنچه اخمام می‌شود مستعمره سازی روسیه و تبدیل آن به زایده تهیه مواد خام برای غرب است، یعنی تبدیل شدن به مصرف کننده کالاهای کشورهای پیشرفت و بهای آن را با منابع طبیعی پرداختن.

سیاست فاقد آرمان‌ها و مصالح سالم اقتصادی موجب سقوط نشش و اهمیت حاکمیت مرکزی می‌شود. این امر به توبه خود کشور را به جمع ضعیف استان‌ها و نواحی گوناگون تبدیل می‌کند، و این خود تغییری است که بر مردم روا می‌شود، مردم بی‌صبرانه در انتظار اینده‌ای هستند، که در انتخابات، بتوانند خود را از رئیس جمهور و دولت کنونی بخات دهند، چنین است روحیه عده توده های محروم امروز روسیه. تاکنون هیچگاه در تاریخ روسیه دولتی تا این حد برای مردم بیکانه نبوده است... غارت نمی‌تواند مقاومت ایجاد نکند حتی کسانی که هنگامی حاکمیت عالی در اختیار یافتیں" گذاشته اند که به این حاکمیت دست درازی کنند. اهزوسیون هر روز نیرو می‌گیرد، به آن گوش فرا می‌دهند و ارگان‌های مطبوعاتی آن هر چه بیشتر گسترش می‌پایند، ولی وضع حاکمیت چکونه است؟ حکومت جوابی برای مردم ندارد بجز محدودیت‌های باز هم بیشتر، و اندیشه اش هرچه بیشتر بسوی اجرای وضع فوق العاده پیش می‌رود، از کرمیان فریاد آمرانه "ما آمده‌ایم برای حفظ خلط رفم وضع فوق العاده تحملن کنیم" شنیده می‌شود و از وضع فوق العاده تا دیکتاتوری به خاطر درمه

گاه به گاه در صفحه تلویزیون سخن از دهشت مای ترور ۷۴ سال استبداد می‌رود، ولی هیچ چیز در باره ترور اقتصادی که با حاکمیت "دمکرات‌ها" برقرار شده است، گفته نمی‌شود. ترور اقتصادی به معنای قفر، رشد سراسام آور قیمت‌ها، آموزش غیر رایگان، فروپاشی امر پژوهشی و درمان، عدم امکان استراحت یا معالجه، قدان دارو و بالاخره حلقة نیازمندی بر گردان. روز و شب، ماه‌ها، و سال‌ها با یک گرفتاری تنها روپری بودن و آن هم امرار معاش خانواده، غذایی پیدا کردن، جانی بدر بدن و بخات یافتن... بالاخره کی این ماجرا به پایان می‌رسد؟ آنگاه که ۷/۸ از جمعیت کشور در پایان، روسیه را تا آخرین سپارداش بین خود تقسیم کنند.

غرب پایش را بر گلوی ما گذاشته است و با دقت جریان کار را تحت نظر دارد که آیا کار طبق نقشه پیش‌بینی شده پیش‌می‌رود؟

ما، مردم، ناگهان در سرزمین خود بیکانه به حساب آدمیم، هر روز اعلام می‌کنند که دیگر از چه چیز محروم خواهیم شد، ما فقط می‌شنوم. اعتراضات از حد دشتمان‌ها در صفحه‌های تویت، یا پیش‌میز، در خانه‌ها دورتر نمی‌رود. ما تحمل می‌کنیم... بازار کهنه فروش‌ها، معامله گری، حقه بازی، زور، ازاله بکارت خردسالان، نزاع و زد و خورد، رفتار بی‌بند و بار در همه سطوح، خود فروشی تعداد قابل توجهی از زنان به مثابه شیوه زندگی، ودکار که کوشک‌ها از آن ابیاشته شده است و می‌توان ونکای دوم را با آن جاری ساخت. دختران عربان در صفحه تلویزیون... قفر، دروغ، رئیس جمهوری که کشور را به نابودی می‌کشاند و هر ظهورش خبری از پیداچشی جدید، فربیکاری جدید، و اندوه جدید می‌دهد... کشوری با وفور نعمت، سرفراز و مستقل، با مردمی سریلنگ به توده ای رو به فساد تبدیل شده است، سخن از کدام آینده درخشنان می‌رود؟ از درون کدام دوربین می‌توان به آن نظر افکند؟

حصلت رفم، توجه و غم‌خواری نسبت به مردم را سلب کرده است. کشور و مردم، که بر پایه اصولی کاملاً متفاوت با این آمده‌اند، با مناسبات جدید تطبیقی ندارند و نتیجتاً بی‌پنهان و بی‌دفاع مانده‌اند. همه چیز سیل آسا به غارت می‌رود... حکومت نه تنها به مردم کمک نکرده است که از تغیرات و تحولات سر در بیاورند، نه تنها آن‌ها را در قبال غارت درندگان محافظت نکرده است، بلکه از آن‌ها روی برگردانده، آن‌ها را فروخته و وادار کرده است که جور ژوپوتند شدن جمع تاچیزی را بکشند.

فروپاشی روسیه امری اسرار آمیز نیست و چیزی است حساب شده، و آن این که کشور، ثروت‌های افسانه‌ای دارد، حاصل‌خیزترین زمین‌ها، اراضی بیکران هم چنان یکر، متابع معدنی سرشار و مردمی آمده برای کار. در همسایه‌یکی ما، غرب دچار آنبو لبریز جمعیت و "دمکراسی" تباہی شخصیت، که نتیجه ناگزیر معامله گری و آزادی "فرد" می‌باشد و کار را به پوچی، یه توحش جامعه می‌کشاند و مناسبات جنسی، اخلاقی، فرهنگی را به کیش زورمداری و حقارت زندگی معنوی و تبدیل انسان به موجودی فقط جونده و تولید کننده نسل تبدیل کرده است. و همه چیز را در خود پرستی فروپرده است...

اگر ما به جای روسیه صحرایی می‌داشیم، هیچکس، اسلحه به دست، به جنگ ما نمی‌آمد. طبق عادات و رسوم خود بسر می‌بردم و فراموش شده همه جهان بودم. "گناه" ما ثروت‌ما و سرزمین پهناور ماست، به خاطر آن است که هر از چندگاهی ستمی این چنین بی‌مردم ما می‌رود. به زور سریزه، چویه دار و آتش توانستند تسخیرش کنند، اکنون با استاد خرد اموال و املاک، ازاله بکارت و فحشاً آن را به تسخیر در می‌آورند... زراندوزی دست موجودات فاسد را در دست هم نهاد، آن‌ها را از بالاترین مقامات حکومتی، تا یا بین ترین و نازل ترین اوباشان و نزول خواران، متحد ساخته است... ثروت اندوزی طیف گسترده‌ای از کلاشان میلاردر و غارتگران معاملات غیر قانونی، معامله گران خون و جسد، تا تبهکاران کوچه و بازار، در فساد و تباہی گسترده‌ای دست به دست هم داده‌اند، چیزی که با نیروی غیر قابل تصوری، در ابتداء بر اتحاد شوروی و سپس بر روسیه ضربه وارد ساخت. آن‌ها (قبل از همه اربابان اقتصاد جهانی) هر کاری را که برای تکه پاره کردن روسیه به قطعات جمع ناشدنی لازم به بینند، انجام می‌دهند، زیرا از هم پاشی کشور نوید ادامه سودهای گزاف را با خود دارد...

# ریشه اصلی بحران مسکن در کشور:

## همدستی دولت با سوداگران زمین

به حساب وزارت مسکن و شهرسازی واریز نمایند و متأسفانه قادر به پرداخت هزینه های ساخت نمی باشند".

این وضعیت است که سیاست های دولت برای همه کارگران کشور به وجود آورده است. به گزارش مطبوعات داخلی، حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ کارگر غصه تعاوی های مسکن استان باختران، که در سال ۱۳۶۷ - یعنی ۵ سال پیش - زمین تحویل گرفته اند، "به علت عدم پرداخت وام" از سوی بانک رفاه، هنوز توانسته اند دست به ساختن خانه برای خود بزنند. جالب اینجا است که علت عدم پرداخت وام از سوی بانک رفاه - که با سرمایه خود کارگران تشکیل شده - "کمبود اعتبار" این کارگران اعلام شده است! بدین ترتیب، دولت جمهوری اسلامی نه تنها به وظیفه اساسنامه ای خود در مورد "اولویت قایل شدن برای روسانشیان و کارگران" پشت کرده، بلکه با کمک به فروش زمین به تعاوی های مسکن به "قیمت آزاد"، و سپس خودداری از دادن وام مسکن به کارگران، عملای ابزاری در دست سوداگران زمین برای آب کردن" زمین های بلا استفاده بخش خصوصی بدل شده است.

### شريك دزد و رفيق قافله!

یکی از ثروههای گردیای همدستی رئیم با سوداگران و دلالان زمین، افزایش شدید بهای زمین در سیستان و بلوچستان (۱) است. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از زاهدان، به علت افزایش ناگهانی نرخ زمین و عدم توانایی متضایان در پرداخت قیمت های اعلام شده، مردم این استان با مشکل جدی مسکن روپرورد شده اند. آنچه در این گزارش تازگی دارد این است که این افزایش قیمت نه ناشی از عملکرد "بازار آزاد"، بلکه بر اثر تصمیم دولت بوده است! به گفته مهدیس یوسفی، مدیر عامل

زمین شهری این استان، "تصمیم افزایش نرخ زمین در سیستان و بلوچستان در جلسه کمیسیون تعیین قیمت ها ... در اداره کل دارایی ... اتخاذ شده و نرخ های منطقه پندی بین ۲ تا ۱۰ برابر پستگاهی به موقعیت زمین افزایش یافته است".

باید پرسید که سود این افزایش ۳ تا ۱۰ برابر قرار است به جوip چه کسی برود؟ و مسؤولیت اوارگی های ناشی از این تصمیم به عهده چه کسی خواهد بود؟ زمانی بود که مردم ما از "شريك دزد و رفيق قافله" می ترسیدند. اما امروز در کشور ما وضع چنان شده که دزد اصلی همان "کافله سالار" است!

نیازهای اولیه خود داشته باشند، به شرکت گسترده در تعاوی های مسکن دست زند و در تیجه، تمدد تعاوی های مسکن در کشور از ۸۱۱ واحد در سال ۱۳۵۷، به ۶۹۰ واحد با بیش از ۱/۵ میلیون ضو در سال ۱۳۷۱، افزایش یافت.

اما متأسفانه سلطه سرمایه داران توکیسه بر اقتصاد کشور و قبضه حکومت توسط آنان، به سرعت حکومت هودار "مستضعفان" را به حکومت حامی سرمایه داران بدل کرد. و بدین ترتیب، هدف اصلی تولید در عرصه مسکن از "تامین نیازهای اساسی" شهرهای انسان در جریان تکالیف ثروت و سودجویی بدل شد.

دولت حامی سرمایه داران، امروز تمامی وعده های خود در مورد دادن اعتبارات بانکی و واگذاری زمین و صالح ساختمانی ارزان به تعاوی های مسکن را به فراموشی سپرده است و به جای جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت زمین و صالح ساختمانی توسط سرمایه داران بخش خصوصی، خود به "واگذاری" زمین و صالح ساختمانی به "قیمت آزاد" - یعنی به قیمت تحمیل شده توسط دلالان زمین - دست زده است.

در این رابطه، گفته های ابراهیمی، مدیر عامل اتحادیه اسکان، بسیار گویا و افساگر است. او که در هنگام مصاحبه با نشریه "کار و کارگر" (۲۵ بهمن ۱۳۷۱)، از هیچ فرستی برای فرستادن "سلام" و "دورو" به همراه حکومت و "تشکر" از مسؤولین فروگذار نمی کند، حقایقی را به زبان می آورد که نشان دهنده ماهیت واقعی سیاست دولت در رابطه با تعاوی ها است. او می گوید: "وزارت مسکن و شهرسازی قیمت زمین را برای کارگران از هر متر مربع ۵۰/۰۰ ریال محاسبه نمود که صد درصد تناوت قیمت با سال ۱۳۶۵ داشت و پرداخت این مبلغ برای کارگران که از حقوق کمی برخوردار می باشد، بسیار مشکل است. در واقع پرداخت ۳/۰۰ ریال قیمت زمین با توجه به پرداخت اجاره و هزینه های کمرفکن زندگی با دریافت ۱۲ هزار تومان حقوق هیچ مناسبی ندارد."

به گفته ابراهیمی، در مورد صالح ساختمانی هم این موضوع صادق است. بطور مثال، سیمان و آجر که از اساسی ترین لوازم ساخت مسکن است، قیمت آزاد دارد در حالی که قبل از دستور دولت برای کارگران قیمت های مناسبی در نظر گرفته می شد که این ... قیمت تمام شده خانه های کارگری را ناچن می آورد. بطور مثال، سیمان هر تن ۱۰۶۰۰ ریال بود که امروز تن ۵۵/۰۰ ریال هر قسمی شود، یعنی در هر تن ۴۴/۰۰ ریال افزایش قیمت داده شده...." و در تیجه "کارگران با فروش اثاثه و دریافت وام متعدد توانسته اند مبالغ اعلام شده را

اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، اولین "ضایعه" حاکم بر اقتصاد کشور را "تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوارک، پوشک، بهدشت ..." شهرهای انسان اعلام کرده است. همچنین، در اصل ۳۱ قانون اساسی گفته می شود: "داشت مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بخصوص رosta نشیان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم آورد".

علاوه بر این، در مقدمه قانون اساسی بر این اصل مهم تأکید شده است که "در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان تکالیف ثروت و تکالیف سودجویی بدل شد. علاوه بر این، دست اخیر، در اصل چهل و چهارم به شکلی بسیار مشخص تر در قالب این عبارت که در ساختار اقتصادی کشور، "بخش خصوصی ... مکمل فعالیت های اقتصادی دولتی و تعاوی است،" بیان شده است. بدین ترتیب، قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی، تامین نیازهای اساسی شهرهای انسان در جمله تأمین مسکن - را صریحاً از وظایف دولت و بخش تعاوی اقتصاد شناخته است.

اما علی رغم صراحت در این اصول قانون اساسی، رژیم حاکم نه تنها در طول چهارده سال از انجام وظایف خود در مقابل روسانشیان و کارگران سر باز زده، بلکه با واگذار کردن کار تولید مسکن به بخش خصوصی، ابتداً ترین اصول قانون اساسی را نیز زیر یا گذاشت است.

امروز ۹۵ درصد از کار تولید واحد های مسکونی در سراسر کشور در اختیار بخش خصوصی است و دولت به جای سرمایه گذاری مستقیم یا کمک به تعاوی های مسکن در جهت ساخت خانه های ارزان برای زحمتکشان، خود به بانک خصوصی سرمایه داران "بازار و بفروش" و دلالان سودجوی زمین تبدیل شده است. در طول ده سال گذشته جمی اهتمارات دولتی به بخش خصوصی مسکن بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است، در حالی که تعاوی های مسکن ایجاد شده از سوی زحمتکشان با اتواء و اقسام مشکلات و سنگ اندیزی های مالی و ناری از سوی دولت مواجه یوده اند.

### مشکلات تعاوی های مسکن

پیش از پیروزی انقلاب بهمن، در سراسر کشور تنها ۸۱۱ تعاوی مسکن با ۱۸۱ هزار حضر وجود داشت. در دوران پس از انقلاب، زحمتکشان کشور به امید اینکه پتوانند به کمک حکومت پرخاسته از انقلاب سهمی در تأمین

## تاریخ جنبش دانشجویی کشور و مهندس بازرگان

شماره ۴ مجله "ایران فردا"، مصاحبه‌ای با مهندس بازرگان به مناسبت روز ۱۶ آذر، روز دانشجو، پیغامون جنبش دانشجویی کشور دارد که حاوی نکات جالبی است. در این مصاحبه از جمله می‌خوانیم: "ایران فردا": با توجه به اینکه جنبش دانشگاهی از اولین اساتید دانشگاه تهران بودید، لطفاً در ارتباط با جو عمومی دانشگاه از لحاظ فعالیت‌های سیاسی و دینی در میان دانشکاهیان قبل از شهریور ۱۳۷۰ توضیح بفرمایید؟ ... البته فعالیت سیاسی در خارج از حیطه دانشگاه وجود داشت. همان سالی که ما از فرانسه به ایران پاگشتم - یعنی سال ۱۳۷۲ - دعوی از مصلحت و به ویژه فارغ التحصیلان خارج از کشور، که بیشتر از فرانسه بودند، در محل کلوب ایران به عمل آمد تا در خصوص تشکیل یک انجمن یا باشگاه با هم که تکتوک پیرزاداند ... در آن مجلس ایرج اسکندری و دکتر اراثی سخنرانی‌های مهیجی کردند و نسبت به تشکیل و استمرار فعالیت‌های این انجمن حاضرین را تشویق کردند ... دکتر اراثی که استاد فیزیک بود، به غیر از این جلسات، جلسات دیگری نیز داشت. وی همچنین مجله "دنیا" را نیز منتشر می‌کرد. وی در آن مجله مقالات فلسفی و مقالات عمومی که جنبه ماتریالیستی داشت به چاپ می‌رسانید، اما جرأت‌نمی کرد صحبت از کمونیسم بکند، زیرا در زمان رضا شاه هر فعالیتی در مورد کمونیسم منوع بود و عاقب خطرناکی داشت. دکتر اراثی در همان دوران گروه ۵۲ نفر را تشکیل داده بود ...

نکته‌ای که در اینجا باید بگویم این است که مبارزات سیاسی در دوران جدید و تأسیس حزب و گروه‌های انقلابی را توده‌ای ها به جوانان ایرانی یاد دادند. حالا گرچه با آنها مخالفم ولی حق را باید گفت که در آن زمان نه ملی ها و نه آخوندانه هیچیک در این مسایل وارد نبودند و عملًا کمونیست‌ها بودند که اندیشه مبارزه سیاسی را به ایران اورده‌اند و راه و رسم آن را به همه تعلیم دادند ... در زمان رضا شاه، و در سال دوم تأسیس دانشگاه، اولین اعتضاب دانشجویی در دانشگاه فنی رخ داد که محرك آن کمونیست‌ها به رهبری دکتر اراثی بودند ... باید فراموش کرد که محرك موج های اولیه مبارزات دانشجویی در ایران تحصیل کرده‌های خارج بودند. یکی از تصویرات یا تبلیغات غلط رایج - که بعد از آن دامنه زده شد - این است که درس خوانده‌های خارج همکی عامل استعمارند و خیانتکار، در حالی که وضعیت درست بر عکس است و عرق ملی و مبارزاتی و انقلابی کری در اثر دیدن اختلافات، بیدار شدن احساسات و کسب تعلیمات و تجربیات در خارج، خیلی بیشتر از خارج، خیلی بیشتر از داخل به جوش می‌آمد و می‌آید.

ازین مسئله متوجه به کاهش انتقال نفت به این پالایشگاه‌ها شده است.

راعایت می‌کنند یا خیر ...  
جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی -

واحد شهر ری ۱۹

زد خورد مسلحانه سپاه

### و بسیج

### کاهش تولید نفت ایران

بر اساس گزارش "خبرگزاری رویتر"، زد خورد خونینی میان گروهی از پاسداران و نیروهای بسیج، بر سر تصاحب یک ساختمان در تقاطع خیابان "مرجان" و "نوفل لوشاون" تهران روی داد که چند ساعت به طول انجامید و تعدادی مجرح به جای گذاشت. این زد خورد خونین سرایجام با دخالت پلیس تهران خاتمه یافت. لازم به تذکر است که این کاهشی از سوی اوپک، تنزل شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی، و در جهت بیرون و یا ثابت نگاه داشتن قیمت ها می‌باشد. ضمناً آغازاده در همین مساحه اعلام کرد که در جریان جاری شدن سیل در استان‌های کشور، خلوط انتقال نفت به پالایشگاه‌های اصفهان، تبریز و تهران دچار صدماتی شده‌اند که

### پوزش

متاسفانه در شماره قبل "نامه مردم"، بخشی از مقاله "کمیسیون حقوق پسر سازمان ملل متحده جمهوری اسلامی را برای چندین سال متولی به شدت محکوم کرد"، به علت نقص فنی به چاپ نرسید. اینک متن کامل همان مقاله را با پوزشی فراوان در صفحه سوم درج کرده‌ایم.



### کارخانه کبریت سازی یا دانشگاه آزاد

به دفتر ریاست جمهوری  
ما جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری اجازه می‌خواهیم به طور مختصر خطای از وقت شما را بکنیم.  
خود شما بهتر از ما به کم و یکن تاسیسات دانشگاه آزاد آگاه هستید و می‌دانید که چه اطلاعات، شایعات و حتی شوخی‌هایی درباره این دانشگاه وجود دارد.

همه می‌دانند شهریه دانشگاه آزاد گران است و طبیعتاً پذیرفته اند که دانشگاه به خرج دانشجویان اداره می‌شود، اما در مقابل چنین وضعیت سولیت دانشگاه نسبت به استفاده کنندگان از خدمات آن به هیچوجه لوث نمی‌شود، بلکه یک دانشگاه هولی باید در مقابل وجهی که می‌گیرد، خدمات خود را در سطح کشور و در سطح دنیا اصولی و صحیح انجام دهد، پس اگر موارد زیر را که عنوان معايب واحد آموزشی مان (دانشگاه آزاد، واحد شهر ری) توضیح می‌دهیم، نباید بر سار خرده گرفت:

- ۱- ساختهای قابل سایپا یا کارخانه کبریت سازی بوده و اقلال متعلق به نیم قرن پیش است!
- ۲- کفت بسیاری از کلاس‌ها شفته کاری و کج و خاک است،
- ۳- برای یک عده حداقل ۴۰ نفری مساحت کلاس‌ها و کارگاه‌ها کوچک است و امکاناتشان ناقص است؛
- ۴- وضعیت رستوران دانشگاه بسیار غیر بهداشتی و کینیت‌ذاماً سیار نامطلوب است!
- ۵- سالانه به نام ورزش وجود دارد که فاقد سیستم روشانی و گراماست!
- ۶- پنجه‌های کلاس‌ها در این هوا سرد اکثراً فاقد شیشه است!
- ۷- دستشویی‌ها کاملاً غیر بهداشتی است و رایحه نامطبوع آن با بیوی معمول کننده کارخانه چرم سازی مجاور دانشگاه مسایله گذاشته است!

- ۸- از نزدیک ترین ایستگاه تا دانشگاه جاده کم عرض خطرناک و طولانی وجود دارد و در هین حال محل تردد دامن و سایپا تلقیه سنگین است که باید بپاده طی شود و سرویس خاصی هم وجود ندارد؛
- ۹- سیستم گرم کننده در کل دانشگاه چند عدد بخاری نفت است؛
- ۱۰- جوان‌های پر توقی نیستیم ولی انصاف بدید آیا مسؤولان این دانشگاه حقوق طبیعی و انسانی ما و

## پیام

### کمیته مرکزی حزب توده ایران به حزب کمونیست عراق

رفقای گرامی

کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین درودهای رفیقانه خود را به مناسبت ۵۹ - مین سالگرد تأسیس حزب کمونیست عراق به شما تقدیم می دارد. کمونیست های عراق، تاریخ طولانی و قهرمانانه ای از مبارزه برای حقوق مردم زیر استم، برای استقلال و عدالت اجتماعی و علیه استبداد و استعمار دارند. تاریخ مبارزه طولانی و پربیج و خم حزب شما، پر ملو از قدکاری های بزرگ و نام هزاران انسانی است که جان خود را فدای آزادی میهن شان کردن.

مبارزه حزب کمونیست عراق در سال های اخیر، علیه رژیم دیکتاتوری صدام حسین، علیه جنگ خامانیوز ایران و عراق و سپس علیه ماجراجویی های نظامی امریکا در منطقه، برای حزب شما اعتبار زیادی در منطقه ایجاد کرده است.

منطقه ما، پس از دو جنگ فاجعه بار، صدها هزار کشته و خسارات عظیم اقتصادی، همچنان یک منطقه فوق العاده متنشق، درگیر میلیاریسم و دخالت خارجی است و این رو ضرورت همکاری نزدیک میان نیروهای متفرق منطقه بیش از هر زمان دیگری برای تأمین حق تعبیین سرنوشت خلق های منطقه بدست خودشان، بدون دخالت خارجی و برای جلوگیری از فجایع مشابه پسیار ضروری است.

ما اطمینان داریم که مبارزه مردم عراق و نیروهای متفرق این کشور، خصوصاً حزب کمونیست عراق برای ایجاد یک کشور آزاد و دموکراتیک، که در آن حقوق کلیه خلق ها، خصوصاً خلق گرد، رعایت می شود، به پیروزی نهایی خود خواهد رسید.

رفقای عزیز ا

روابط حزب ما و شما در طول پنج دهه گذشته همواره پسیار گرم و رفیقانه بوده است. ما برای این روابط ارزش زیادی قایل هستیم و امیدواریم که در آینده هرچه بیشتر گسترش یابد. کمیته مرکزی حزب توده ایران، بار دیگر به شما درود می فرستد و برای شما در مبارزه دشواران آرزوی موقیت دارد.

با گرم ترین درودهای رفیقانه  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
اسفند ماه ۱۳۷۱

## در ویتنام سوسیالیستی چه می گذرد

هرچند رکود مدت اقتصاد جهانی برای هیاهوی تبلیغاتی جهان سرمایه باقی نمی گذارد، اما موقیت های کشورهای سوسیالیستی از جمله چین و ویتنام که سر و سامان تازه ای به اقتصاد خود می دهند، در مطبوعات غرب سانسور شدید می شود.

واقعیت این است که درآمد ملی ویتنام طی سال گذشته  $\frac{5}{2}$  درصد و تولید صنعتی ۱۵ درصد رشد یافته است و صادرات این کشور ۱۹ درصد افزایش یافت. نکته جالب اینکه ویتنام پس از آمریکا و تایلند سومین کشور صادر کننده برنج است. سال قبل، با وجود آنکه تورم به مرز ۷۰ درصد رسیده بود، اما اینکه توانسته اند به آن مهار بزنند.

قریب چهل کشور جهان پیش از پنج میلیارد دلار در این کشور سوسیالیستی سرمایه گذاری کرده اند. سال گذشته موازنۀ بازرگانی خارجی ویتنام پرای کشور مثبت بوده است.

## "اوینیتا" امیدوار است

شورای امنیت سازمان ملل متحد، در یکی از جلسات اخیر خود گروه بدی "اوینیتا" را به خاطر نقض قرارداد صلح و استکاف از پذیرش نتایج انتخابات پارلمانی و نیز به خاطر عملیات مسلحانه و اشغال نواحی مسکونی "شدیداً محکوم" کرد.

به نظر می رسد که بالاخره حق به حقدار داده شده است و طرف مقصر در قطع روند حل و فصل مسئله آنکولا مشخص شده است.

اما مشکل اساسی آن است که سازمان ملل متحد شصت ماه تمام برای محکوم کردن "اوینیتا" وقت کشی کرده است. ترازوی آنکولا همچنان ادامه دارد و در حقیقت جهان "دموکراسی" نسبت به آن، نه تنها بی تفاوت مانده، بلکه در انتظار پیروزی "اوینیتا" نشسته است.

## رشد سرسام آور جنایت در روسیه

صی سـ. گذشته در روسیه، دو میيون و هفتاد و شصت هزار و شش صد و پنجاه و دو مورد جنایت رخ داده است. که بیست و سه هزار مورد ازین جنایت را قاتل عمد تشکیل می دهد.

بین تصادیه و نیز بربری بیش از تصدیق قتل عمد است که در سال قبل صورت پذیرفته و می توان گفت که در هر نیم ساعت یک نفر به دست جنایت کارزان به قتل رسیده است.

به گواهی کارکنان وزارت امور داخله، تعداد قاتل هایی که توسط مزدوران قاتل در قبال دریافت پول اجنم گرفته به مراتب افزایش یافته است.

## نویسنده روس، "یوروی ولاد" ...

شکستن روسیه و غارت خلق، یک گام فاصله بیشتر نیست، چنین است فرمان واشنگتن، حتی کوچکترین تکان روسیه برای وی وحشتناک است. اطمینان وقی حاصل است که سرتیزه پر سینه روسیه نهاده شود، دست هایش بشکند و غارت ادامه یابد. استدلالات دیگر، شیوه های دیگر برای خروج از بحران را حکومت نمی شناسد، زیرا سخن تنها از غارت

می رود، هارتمی که قانونی شده باشد، و شکل قانونی پیدا کرده باشد. بدخواهی و اقترا بر سر و صورت خلق روس می پاشند، تاریخ آن خودین و انفجار آمیز است...

لیک خواهی، برخورد محترمانه... چیزهایی است که خلق ما بر همه سودهای دیگر ترجیح می دهد. این خلق هنوز پر پرست و لطیاع نشده است، به ویژه به همین خاطر است که با چنین خشم و کنی، این چنین سخت سوانه بر خصال منتوی آن می تازند.

روسیه، با چنین خلقی، شکست ناپذیر است، چیزی که طی تاریخ هزار ساله اش به ثبات رسالده است.

... نویت من فی رسمید یک کیلو ماهی کوچک فور برای بکشید، نه بیشتر، خیلی گران است.

بزرگترین نویت، آنها، بیش این درهاست، آقایان سازندگان روسیه نوای

به تقلیل از "پراودا"